

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: «نسیم ریگی»  
۰۷ می ۲۰۱۸

## نبردی برای همیشه به مناسبت یک می روز جهانی کارگر

ثانیه ها سپری می شوند، روزها از پی هم می گذرند، گویی زمان شوقی عطشناک برای رسیدن به انتها دارد. رسیدن به مکانی که دیگر، ناگزیر از عبور، از هیچ میدان مبارزه ای نباشد. جایی که در آن نه خبری از طبقات غارتگر باشد و نه طبقات غارت شونده خشمگین، نه ردپایی از استثمارگر باشد و نه استثمارشونده. جایی که به استنشاق این هوای سرشار از تبعیض و بی عدالتی، هوایی پر از طغیان و مرگ، پایان بخشد. جایی که تاریخ بشری به پایان می رسد.

اما، ما طبقه تحت استثمار و بردگی؛ طبقه ای که امروز یک می را به عنوان روز اتحاد کارگران جهان برگزیده ایم می خواهیم با تلاشی سخت و جانکاه و با تمام وجود زمان را در جایی در میانه راه متوقف سازیم و آن توقف درجایی است که به این اشتباه سیری ناپذیر سرمایه داری پایان دهیم. همان روزی را که همه زحمت کشان جهان، آن روز را به انتظار نشسته اند و آن جا آغاز دوباره تاریخ ما فرودستان خواهد شد.

اما می دانیم که سرمایه داران؛ آنان که که منافعشان به وجود و حضور پرولتاریا گره خورده است براحتی عقب نمی نشینند. این دو گروه (سرمایه دار و کارگر) به مثابه دو جزء یک کل، هیچ گاه بدون هم نمی توانند به حیات شان ادامه دهند وجودشان به هم گره خورده است. با نابودی یکی، آن دیگری هم از بین خواهد رفت و آنان که به دنبال حفظ شرایط موجود می باشند (سرمایه داری)، دست به سرکوب می زنند، زیرا چاره ای جز این سرکوب ها ندارند؛ این سرکوب ها ذاتی استثمارگران است. آن ها با اعمال خشونت و ارباب در پی حفظ بقای شان هستند. اما مبارزان هم، همواره در برابر اشکال متفاوت استثمار دست به مبارزه زده اند. استثمارگرانی که گاه در لباس برده دار، زمانی به شکل زمین دار و امروزه در لباس سرمایه داری به کار چپاول طبقات محروم مشغول اند و هر بار این طبقات چپاول شده بودند که با رسیدن به مرحله ای از رشد، نقابی را که این صاحبان نظام های قدرت بر چهره داشتند به زیر می کشیدند و هویت واقعی صاحبان آن ها را هویدا می ساختند.

سرمایه داری تقریباً از قرن چهاردهم و پانزدهم در برخی از کشورها پای به منصف ظهور گذاشت و در قرن شانزدهم شروع به تثبیت پایه هایش کرد و همزمان با زایش خودش طبقه کارگر را هم به وجود آورد. اما طبقه کارگر تا مدت

ها نسبت به وضعیت طبقاتی اش آگاهی نداشت و طغیانش در برابر بی عدالتی ها به صورت شورش های پراکنده بود، تنها پس از انقلاب صنعتی و تحولی که در تولید به وجود آمد، باعث شد تا پرولتاریا خود را به عنوان یک طبقه اجتماعی منسجم و متشکل و به عنوان نیروی انقلابی بازشناسد .

طبقه ای که پس از این آگاهی طبقاتی، تبدیل به نیروی عظیمی شد که پایه های سرمایه داری را به لرزه درآورد، و در برخی از کشورها ، در دوره هائی تا حدی به آرمان طبقه کارگر جامعه عمل هم پوشانید .

اما ناسازگاری این سرنوشت نیرنگ باز، بار دیگر بر آرمان های طبقه کارگر خط بطلان کشید و سرمایه داری نرم نرمک ، دوباره نبض جوامع را به صورت داهیانیه به دست گرفت .

اما همچنان، مبارزه این دو طبقه ادامه دارد. این ارتش بزرگ طبقه کارگر که به دلیل حرص و آز افسار گسیخته سرمایه داری روز به روز گسترش می یابد با اتحاد و همبستگی اش دوباره ، روزی ابرقدرت ها را مات و متحیر خواهد ساخت و نظام سرمایه داری را همانند نظام های پیشینش به تاریخ خواهد سپرد.